



۲۰۲۱/۱۲/۰۴



محمد عارف عباسی

اشارات ضروری در ارتباط به جر و بحث های فعلی

دوستان نهایت محترم سلام ها و تمنیات نیک مرا بپذیرید.

از مدتی بدین سو ناخوشم، مریض و علیل و چند روزی به روغتون گذرانیدم، و نوشتن برابم تکلیف است. ولی اگر در واپسین نفس های حیات باشم بر بنیاد رسالت ملی، قلم به دستی با فهم اندک، اعتقاد محکم به واقعیت و تجارب کافی وظیفه ایمانی و وجدانی ام می دانم که پیوند های آشکار، علایق و سلیق خاص و عقده های انتقام جویانه پیشین واقعیت های تاریخی وطنم را تحریف نه کرده و به شخصیت محترم و فداکار اتهامات پوچ و بی اساس وارد نگردهد و برای نسل جوان مملکت که عطش دانستن حقایق هویدا است ذهنیت سازی های کاذب نه شود. در برابر این تلاش های مذبحخانه و لو که پدیده اندیشه ها و قلم های سرآمد اقران و نویسندگان چیره دست به نام مؤرخ و محقق باشد با شهادت و بی هراس می ایستم. اتکاء من بر صداقت و واقعیت است و حب وطن که الحمد لله هیچ نوع انگیزه نا روا و غیر ملی در آن زیدخل نیست. بر خلاف اتهام سطحی نگران و تهمت زنان حرفوی و مسلکی من انسانی را نمی پرستم، خدا پرستم و واقعیت پرست.

۱ - هم وطن عزیزم وحید از تورخم!

من سالها است که صدا بر می آورم که گذشته که بر حال کنونی اثری ندارد و اگر از مفاخر و نیکویی هایش یادی می گردد فیها ولی با مطرح ساختن موضوعات متنازع فیه از دید شخصی که مداوای هیچ دردی نه بوده و افغانستان که به حیث نگون بخت ترین، غمگین ترین و سیاه روز ترین کشور دنیا در بحران فقهقاری فاجعه عظیم بشری قرار دارد و ۲۰ سال آزمون گاه بازی های گوناگون بوده بالاخره به پرتگاه زوال تیله داده شد، سودی نه داشته، باید حال کنونی در محراق توجه نخبگان، دانشمندان، روشن ضمیران و روشن بینان وطن قرار گرفته برای نجات و رهایی اش از این هلاکت و فلاکت بر ایجاد سازمان دهی و تشکل بر بنیاد وحدت نظر و عمل سعی بلیغ صورت گیرد.

در هفته دو یا سه بار در فیس بوک می نویسم، بدون خود ستایی از پر خواننده ترین صفحات است، و هفته یک بار برنامه تلویزیونی پر بیننده دارم که محتوای همه وضع کنونی وطن و پیشنهادات برای حکمروایان فعلی و جامعه جهانی برای بهبود حال است و گه و بیگهی در همین وبسایت وزین می نویسم در وبسایت دیگری بر حکم اجبار که پایم کشانده می شود می نویسم، که از نشر بعضی نوشته هایم به خاطر گل روی گردانندگان حاکم اباء می ورزند.

قصه کوتاه که مؤرخ و محقق به نام آقای اعظم سیستانی مطابق عنعنه مکتبی و فلسفی اش و دوست گرامی و برادر عزیزم دکتر صاحب کاظم یک سلسله را به نام «شرح الحال نادر به قلم امان الله خان» با اسناد نهایت مشکوک از منابع استخباراتی انگلیس در وبسایت ا.ج. آ به نشر سپردند.

من داکتر صاحب کاظم را در فیس بوک و برنامه تلویزیونی ام مخاطب قرار دادم که «ای ناصح خیر اندیش سالها به آینده نگری و بهبود حال کنونی توصیه کردی باز سوزش چه درد است که بیل قلم برداشتی و به گور کهنه کنی پرداختی». لذا رسالت و مسؤولیت ام اجازه نداد که خموش بمانم. پرچاوه خامه آب گردان منفی بافان ویران شد و آتش این بگو مگو شعلور و من مخاطب قرار گرفتم.

محترم وحید صاحب با شما جداً موافقم که حال و احوال کنونی وطن بایستی در صدر اندیشه های کسانی که خود را عالم و محقق و مؤرخ می دانند قرار گیرد.

۲ – دوست نهایت محترم و گرامی ام معرفی صاحب!

تبصره به موقع، جامع، مدلل، و منطقی شما در تقویت و استحکام واقعیت ها از قلم صاحب نظری چون شما، با مطرح ساختن سوالات بس معقول و غیر جانبدارانه خیلی مؤثر واقع گردید. سپاس بی حساب از شما.

۳ – دیر پروند او گران داکتر صاحب غروال!

من انگیزه های آشکار و پنهان این اشخاص را می دانم. دیر مننه.

اما در مجموع در گیری در بحث با کسانی که سر شان به تن شان بیرزد عیبی نیست. اما عقل و منطق عامیانه حکم می کند که در برابر شخصی مصاب به تکلیف روانی دروغ گوی حرفوی و تهمت گر به خود و لافوک معتاد با احمق پنداشتن اکثریت و بیگانه با آداب و موازین اخلاقی بهترین موقف گیری و لو که خواهر و مادر دشنام دهد خموشی و عرض سلام است. جای تأسف است که کلمات سخیف دور از کرامت انسانی چنین مالخولیا توسط اداره نشریه سانسور نمی شود و از حرمت کلام شعار می دهند.



برای مطالب دیگر محمد عارف عباسی روی عکس کلیک کنید